

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و ریزپدیدارشناسی در پژوهش کیفی: رویکردها، راهبردهای تفسیر و دامنه پوشش

محل انتشار:

نخستین همایش ملی روش های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش های پیش رو (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

امیرعلی مازندرانی - استادیار روانشناسی گروه علوم رفتاری پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

محمدشاهین تقدیمی - استادیار آموزش زبان انگلیسی گروه مطالعات زبانی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

خلاصه مقاله:

این پژوهش از دو روش شناسی برجسته در زمینه پژوهش کیفی از جمله تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و ریزپدیدارشناسی، یک بررسی تطبیقی جامع ارائه می دهد. هدف هر دو روش، درک تجربه های انسانی است. با وجود این، رویکردهای اتخاذ شده و راهبردهای تفسیر آنها متمایز است و هر کدام برای زمینه های بخصوص پژوهشی مناسب هستند. تحلیل پدیدارشناختی تفسیری تأکید ویژه ای بر جایگاه تفسیر پژوهشگر دارد. پژوهشگرانی که از این روش استفاده می کنند، به کاوش دقیق تجربه های زیسته شرکت کنندگان می پردازند و تلاش می کنند معانی ظریف متناسب به این تجربه ها را آشکار سازند. تفسیر صرفاً بخشی از این روش نیست بلکه سنگ بنای آن است و دیدگاه های ذهنی شرکت کنندگان را آشکار می کند. در مقابل، ریزپدیدارشناسی مدعی تلاش برای به حداقل رساندن نقش تفسیری پژوهشگر، به ویژه در هنگام جمع آوری داده ها است. این رویکرد در زمان توصیف و مستندسازی تجربه ها، موضع خنثی تری اتخاذ می کند. با این حال، دستیابی بهیچ طرفی کامل تفسیری چالش هایی را در پی دارد و بحث هایی را در مورد ماهیت غیرتفسیری این روش برمی انگیزد. علاوه بر این، دامنه پوشش و چارچوب زمانی این روش ها نیز به طور قابل توجهی متفاوت است. تحلیل پدیدارشناختی تفسیری ظرفیت بالایی دارد و با طیف گسترده ای از تجربه ها و پرسش های پژوهشی صرف نظر از مدت زمان یا جزئیات آنها سازگار است. از سوی دیگر، ریزپدیدارشناسی در بررسی نمونه های بسیار کوتاه تجربی و اغلب چند ثانیه ای کاربرد دارد و به همین دلیل، برای ثبت پدیده های خاص و لحظه ای مناسب است. همچنین، این روش ها در برخورد با تجربه های جسمانی متفاوت عمل میکنند. در حالی که تحلیل پدیدارشناختی تفسیری به نقش جسم در شکل دادن به تجربه ها اذعان دارد، ریزپدیدارشناسی برای تجربه های جسمانی اهمیتی دوچندان قائل است و بر تجربه های عینی و موقعیتیو همچنین تجلی جسمانی آنها تأکید دارد. در نهایت، این پژوهش بر نقش حیاتی انتخاب روش شناسی مناسب در پژوهش های کیفی تأکید میکند و اهمیت انتخاب دقیق رویکردی را برجسته می کند که به بهترین وجه با پرسش ها و اهداف پژوهش تناسب دارد. سرانجام، پیشنهاد می شود که بحث و کاوش در ارتباط با تفاوت های ظریف و مفاهیم عملی مرتبط با استفاده از تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و ریزپدیدارشناسی ادامه یابد. این بررسی تطبیقی تلویحاتی عملی را به همراه دارد که از جمله مهم ترین آن ها می توان به ارتقای درک پژوهشگران از چشم انداز پژوهش های کیفی و کمک به آنها برای انتخاب مناسب ترین روش شناسی اشاره کرد

کلمات کلیدی:

روش پژوهش کیفی، پدیدارشناسی، تحلیل پدیدارشناختی تفسیری، ریزپدیدارشناسی، تحلیل تطبیقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2024876>

